

عصر آزادی

روز‌نامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی

صاحب امتیاز: مؤسسه مطبوعاتی پیمان

مدیر عامل و مدیر مسئول: سید فرید پیمان

رییس هیئت مدیره و سردبیر: دکتر سید وحید پیمان

لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

گروه ۴ بنده معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امتیاز:۴/۴۷

نشانی:

تهران – خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد – پلاک ۹۷ – طبقه سوم

صندوق پستی:۷۱۸۴–۱۵۸۷۵

آدرس تبریز: خیابان المان،جنب بن بست یابوری،

ساختمان آرکا ۱ طبقه اول

تلفن:۰۴۱۰۳۰۵۵۵۸۴۵۴

مسئول آگهی ها:۰۴۳۱۰۰۴۶۶۰۰۹۱۲۴۶۶۰

لینک تلگرام: https:// telegram.me /asrazadi.ir

Email: asrazadi۹@gmail.com

www.asrazadionline.ir

قدردانی از پیشکسوت تئاتر عروسکی



گروه اجرایی نمایش عروسکی «قوی‌تر» و موسسه هنرمندان پیشکسوت شامگاه روز یکشنبه چهاردهم اسفند از یک پیشکسوت تئاتر عروسکی کشورمان در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر قدردانی کرد.

به گزارش ایرنا از تئاتر شهر، گروه اجرایی نمایش عروسکی «قوی‌تر» که این روزها به کلر گردانی جواد تولمی در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه است شامگاه روز یکشنبه چهاردهم اسفند با همراهی مدیریت موسسه هنرمندان پیشکسوت و معاونت مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کلون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از حسن دانشگر بازیگر، مدرس و پژوهشگر شناخته‌شده تئاتر عروسکی کشورمان به پاس سال‌ها تلاش در عرصه‌های مختلف هنری قدردانی کرد.

جواد تولمی کلر گردان نمایش «قوی‌تر» پس از پایان اجرای این نمایش ضمن ابراز خرسندی از حضور حسن دانشگر در تالار سایه تئاتر شهر توضیح داد:به اعتقاد بنده استاد حسن دانشگر از جمله هنرمندان ارژشمند و گران‌مایه عرصه تئاتر است که طی دهه‌های گذشته چه در مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کلون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و چه در تالارهای مختلف مجموعه تئاتر شهر رژی بسیار ارزشمندی را هم در حوزه تئاتر عروسکی و هم دیگر گونه‌های نمایشی

و در زمره بهترین هنرمندان عرصه تئاتر عروسکی است.

او با تشکر از همراهی موسسه هنرمندان پیشکسوت برای انتخاب نمایش «قوی‌تر» گفت:موسسه هنرمندان پیشکسوت ازجمله مجموعه‌های است که طی این سال‌ها در حد امکانات، به بهترین و مؤثرترین شکل ممکن حامی هنرمندان و پیشکسوت عرصه‌های مختلف بوده است.بنابراین بنده از طرف گروه اجرایی مراتب قدردانی و تشکر خود را اعلام می‌کنم که به‌واسطه همراهی مجموعه تئاتر شهر در اجرای این نمایش،فضایی راایجاد کردند که بتوانیم میزبان حضور هنرمند بزرگی چون حسن دانشگر باشیم.

علی‌علی‌مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت هم در این مراسم بیان کرد:من مدیرعامل موسسه‌های هستم که وظیفه‌اش تکریم هنرمندان کشور در تمامی رشته‌هاست و بسیار خرسندم که طی این ۱۰ سالگی که افتخار خدمتگزاری در این مجموعه را داشته‌م نهایت تلاشمان را به یک سستم که بتوانیم در حد تقدرات و امکاناتمان قدران زحمات هنرمندان عزیز باشیم.

او افزود: ما طی این سال‌ها رسم داریم در حین یا پایان اجرای یک پروژه هنری در تمامی حوزه‌ها،بهرسم ادب خدمت استاذان و هنرمندان پیشکسوت برسیم و از این بزر گوران تجلیل کنیم. البته که براین باوریم تجلیل چیزی به این هنرمندان ارزنده اضافه نمی‌کند ولی قطعاً گامی است که می‌تواند ارادت ما را به این عزیزان ثبت کند. به همین جهت از جواد تولمی و گروه اجرایی نمایش قدردانی می‌کنم که به‌واسطه اجرای نمایش «قوی‌تر» در تالار سایه تئاتر شهر فضایی را فراهم شد که بتوانیم از استاد حسن دانشگر قدردانی کنیم.

مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت گفت: طی سال‌هایی که در کلون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول خدمت‌رسانی بودم، با هنرمندان عزیزی چون استاد حسن دانشگر آشنا شدم. این آشنایی زمانی برای من شیرین تر شد که در تلویزیون برنامه‌های زیادی در حوزه تئاتر وجود نداشت، اما به‌واسطه هنرمنایی این هنرمندان ارزنده شاهد تولیداتی بودیم که برای نسل من بسیار دل چسب و تأثیر گذار بود. البته هیچوقت هم‌چکر نمی‌کردم روزی در موسسه‌ای خدمتگزار چنین هنرمندانی شوم که در یک برمه زمانی از هنرشان نهایت بهره و استفاده را ببرم.

حسن دانشگر نیز پس از صحبت‌های عظیمی ضمن قدردانی از گروه اجرایی نمایش «قوی‌تر»، موسسه هنرمندان پیشکسوت و مجموعه تئاتر شهر گفت: هتأسفانه سال گذشته بنده دچار بیماری قلبی شدم و ظرف مدت پنج روز بین مرگ و زندگی قرار گرفتم؛ اما لطفاً به دعای مردم عزیزم و حمایت دلوزانه عزیزانم در موسسه هنرمندان پیشکسوت سبب شد که تا امروز سرپا باشم و امشب افتخار حضور در تالار سایه را پیدا کنم. به همین جهت از جناب عظیمی و سایر همکارانشان سپاسگزارم که مانند یک خانواده کنار هنرمندان دوستم ایستادند.

این بازیگر و کلر گردان پیشکام تئاتر عروسکی باارژشمند تصدیق کردن نمایش

«قوی‌تر» در تالار سایه تئاتر شهر گفت: من به آقای جواد تولمی و گروه اجرایی‌اش

به جهت اجرای این نمایش تبریک می‌گویم که ثبت کرد نمایش عروسکی فقط

در دو گیرنده‌وجوه سرگرمی آن نیست.

او در ادامه صحبت‌های خود ضمن افتقاد از کیفیت اجرای آثار نمایشی عروسکی در برخی برنامه‌های تلویزیونی، توضیح داد: متأسفانه اکنون شرایط به گونه‌ای است که برخی از آثار نمایشی تولیدشده تئاتر عروسکی تلویزیون اصلاً از کیفیت برخوردار نیست، اما به اعتقاد من که امشب در تالار سایه تئاتر شهر شاهد اجرای آن بودم، متنی ارزشمند بر اساس ارتباطات خوادگی است که نمایشگر عقدمه، خفارت‌ها و دیگر نشانه‌های یک انسان امروزی است که در پیله خودش فرو رفته و باعث می‌شود آن انسان راه نافرستی را برای ادامه انتخاب کند. به نظر من نمایش «قوی‌تر» یک اثر تراژیک به معنای واقعی است که گروه اجرایی به زیبایی هرچه تمامتر آن را در قالب یک تئاتر عروسکی روی صحنه برده است.

دانشگر افزود: لازم است به مجموعه تئاتر شهر هم تبریک بگویم که از اجرای

و میزبان تأثیراتی را سرگرمی نریست. تئاتر هنر انسان‌ها هم بی‌نیتم. ما باید بدانیم که تئاتر

پدیده‌ای صرفاً برای سرگرمی نیست. انسان‌ها سزای هنر انسان‌هاست و مسائل بشری را

بازگو می‌کند. تئاتر عیب ما را به ما نشان می‌دهد و می‌فهمند چگونه باید زندگی

کنیم. من روزی می‌کنم روزی را ببینم که آموزش تئاتر از مدارس شروع شود و

کندهایی که این آموزش‌ها را فرامی‌گیرند توجه به تئاتر و انتخاب تئاتر مناسب

برای تماشا را به خانواده‌های خود برده و هر اثری را به اسم تئاتر نپذیرند.

عصر آزادی / سروبی فرهنگی – گزارش از محمد

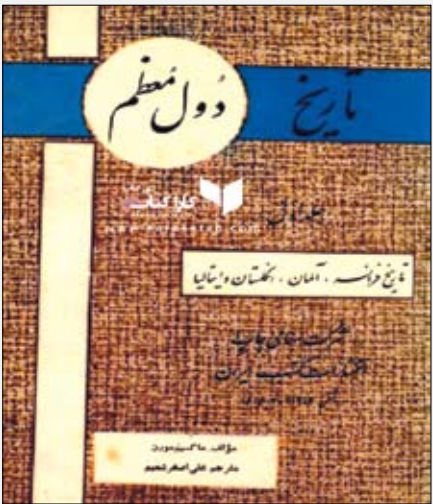
فرج پور باسمنجی:

در تاریخ‌نگاری تاریخ معاصر ایران نام بلند زنده‌یاد شادروان علی‌اصغر شمیم روشنایی بخش چشم دوستداران فرهنگ و تمدن آذربایجان و ایران است. علی‌اصغر شمیم تاریخ‌نگار، پژوهشگر، پژوهشگر، نویسنده، مترجم و استاد تاریخ دانشگاه تهران در سال ۱۲۸۲ ه‍.ش در یک خاندان فرهنگی ترک تبار همدان متولد شد. پس از اخذ دیپلم از همدان به تهران رفت و از دانشسرای عالی لیسانس تاریخ گرفت و از محضر اساتید برجسته‌ای چون عباس اقبال آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار و… بهره‌های فراوان برد. به محض اخذ لیسانس و استخدام در وزارت فرهنگ عازم تبریز شد و به مدت ۶ سال دبیر تاریخ و جغرافیای دبیرستان‌های شدیه، فردوسی و لقمان تبریز بود. علاوه بر تدریس وی با نشست و برخاست با افراد مطلع و تاریخ دان به تألیف تعدادی از کتب درسی و همچنین کتب جغرافیای آذربایجان و کردستان نمود و کتاب درسی (کردستان) را نوشت که شامل شرح جغرافیای طبیعی، سیاسی و اقتصادی کردستان و بیان نژاد و تاریخچه سیاسی و زبان، مذهب و تقسیمات ایلات کرد بود. که در سال ۱۳۱۲ ه‍.ش در زمان حکومت پهلوی اول در چاپخانه امید تبریز به زیور طبع آراست و این کتاب سال‌ها منبع مهمی برای کردستان‌شناسی بود.

در آن زمان خاندان‌های زیادی از سلسله قاجار در تبریز در قید حیات بودند و برخی از آثار تاریخی دوره قاجار در تبریز هنوز تخریب نشده بود. وی پس از ساعات تدریس کوچ‌پس کوجها، بازار، معابر، میادین و خیابان‌های تبریز و هر جا که نشان تاریخی دوره قاجار در آن نمود داشت با پای پیاده و با حوصله می‌گشت، با بزرگان و آگاهان و تاریخ‌دانان در تبریز می‌نشست و به قول استاد فقیدمان، زنده یاد ناصر تکمیل همایون طرح جمع‌آوری و تدوین مستندترین تاریخ ایران در سلطنت قاجار را طراحی و تدوین می‌کرد. در کتابخانه ملی تبریز، کتابخانه تربیت و کتابخانه‌ی دانشسرای سپران تا پاسی از شب به مطالعه بخشی از آثار مکتوب دوره ۱۲۷ ساله قاجاربه می‌پرداخت و به جمع‌آوری اسناد تاریخی از گوشه و کنار شهر کهن تبریز مبادرت می‌کرد. خودش بعدها در دانشگاه تهران به دانشجویان می‌گفت: در هر کسوی و بزن تبریز ما بخشی از رویدادها، رخدادها و اتفاقات تاریخی ایران را نهفته می‌بینیم. چرا که علی‌اصغر شمیم بهتری می‌دانست که تبریز کهن ۹ بار درهزار سال گذشته پایتخت محلی و ملی ایران بوده و در شکل‌گیری حکومت‌های مقتدر پیشتاز بوده است. مطالعات وسیع تاریخی و آشنایی به زبان‌های ترکی آذربایجانی، عثمانی، فارسی، انگلیسی و روسانه‌ی سرسری وی را به آثار مکتوب دوره تاریخی قاجار به این زبان‌ها میسر می‌ساخت. پس از ۶ سال اقامت در تبریز با کوله‌باری از اندوخته‌ها و

علی اصغر شمیم

از دبیری دبیرستان‌های تبریز تا نگارش مستندترین تاریخ قاجار



از دبیرستان

فردوسی تبریز تا

استاد ممتاز تاریخ

دانشگاه تهران

تصویرنگاری

تاریخ قاجار از خانه

سلطنت و عالی

قاپوی تبریز تا خلع

ید احمدشاه

که بر اثر نارسایی قلبی به رحمت ایزدی پیوست. استاد تاریخ دانشگاه تهران بود و کلاس‌های درس او مملو از دانشجویان رشته‌های مختلف علاقمند به تاریخ و فرهنگ ایران می‌شد که برای شنیدن مستند تاریخ معاصر ایران از زبان شیوای استاد مسلم در کلاس‌های ایشان حاضر می‌شدند. و با اینکه مدرک تحصیلات تکمیلی تاریخ نداشت ولی استاد راهنمای دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های تاریخ دانشگاه تهران را نیز عهده‌دار می‌شد. وقتی در دهه ۴۰ تاریخ ۲ جلدی مستند «ایران در دوره سلطنت قاجار» را منتشر کرد با استقبال مراکز علمی، دانشگاهی و حتی مراکز مطالعاتی بین‌المللی و خارج کشور نیز مواجه شد. نویسنده این سطور در دوره

وداع با یارعلی پورمقدم



دبیری با بیان این‌که قصه کافه در ایران قصه کهنسالی است، گفت: از دوران صفویه قهوه‌خانه جایی برای گفت‌وگو و ارتباطات بود. یارعلی زمانی در جمعی از نویسندگان خوب معاصر بود اما بی‌تاب‌تر از آن بود که بخواهد در آن جای چروب باقی بماند در نتیجه قهوه‌خانه‌های راانداخت که نزدیک به ۳۰ سال پانچ‌روشتنگران، جوانان بود و جوانان بود. کافه شوکا در واقع یک مدرسه بود از زمانی که بیژن جلالی آن‌جا می‌نشست تا محمود دولت‌آبادی و دیگران همه گرد حضور یارعلی جمع می‌شدند و فضای امنی بود. یارعلی آمویزاد امنی بود. روشن‌بین بود و بچه‌ها از عشق‌ها و شکست‌های‌شان با او می‌گفتند. کافه شوکا محل گفت‌وگو بود، خانه بود و فقط کافه نبود.

این نقاش ادامه داد: کافه‌های قبلی که ممکن است به یاد بیاوریم، مثل همیشه که ایران جای اتفاقات خوب اما موقت است، کافه نادری و فیروز و … بود. بعد از آن دوره کسی نبود چنین جایی فراهم کند و دوستی‌ها اتفاق بیفتد تا کافه شوکا. کافه شوکا مقدم و بازگرم بود، بازگرم بود و معرکه‌گیر بود. اهل گفت‌وگو بود و فضای تازه‌ای می‌ساخت برای همین شوکا پناهگاه هم بود. آن‌جا هم هم سرگرم‌کننده بود و هم آموختنی بود و محل امنی برای دوستی و گفت‌وگو و چه‌چرا که ادبیات ایرانی را خوب می‌شناخت و هنرمند بود. مرگ یارعلی، تداعی‌کننده یک سیاه‌چاله است.

سپس پیمان هوشمندزاده متنی مکتوب درباره یارعلی پورمقدم خواند: «به احترام مردی جمع شده‌ام که از بخت بدمان زود رفت.

به احترام مردی که صدا لکته را که ول می‌داد کافه‌اش وارد نمایشی می‌شد پر آب چشم با نقش‌هایی فی‌البداهه. اعلی حضرت کنستانتین را به خاطر یک میز چهارنفره به چهارمیخ می‌کشید تا حساب کار دست همه بیاید. در کافه شامل برهان خلف می‌شد و کسی که سیاه سفارش می‌داد نقش منفی داشت. با گفتن: بروتوس تو هم؟ طرف را روی چهار پایه کنج کافه می‌نشاند که تا ابد گوش‌های اضافی ناخوشی‌اش را هیچ نشنایند. عین‌شود. جابه‌جاسان می‌کرد و ارنج کافه را به نفع نمایش عوض می‌کرد. همه ما را با خودش بُر می‌زد و نقش جدیدی می‌ساخت. «بنا این ستون روزنامه رو بگیرم اون وقت بلاپی سرتون بیارم تا دایگه کسی منو گاری کوپر صدا نکنه.»

و بعد ما را در آن ستون روزنامه خلاصه می‌کرد. همان‌جا نغت مسجد سلیمان

را به هر ضرب و زوری می‌زد بالا می‌کشید.

به اشیاء احترام می‌گذاشت و به زخم‌های‌شان دقت داشت. هیلمن‌اش فقیه بود و با‌معرفت. وهیج بعید نبود که فنجان لب‌پری کل روزش را مال خود کند. نظر به احترام مشتری‌اش را هیچ خطیفنایند. عین‌شود. نمی‌آمد. عجیب و غیرمعمول بود ولی با آن‌هایی که می‌شناخت کل کل بیشتری داشت و آن‌هایی که می‌شناختندش دائم کنارش بودند. منطقی نیست ولی این اتفاقی است که مرتب تکرار می‌شد. به احترام مردی جمع شده‌‌ام دل خاطرش ماندگار است و خاطراتش را از بریم. برای خیلی از ماها ایستاد. درد دل خیلی‌های‌مان را شنید و رفاقت کرد. عاشقی‌های‌مان را دید و از بخت بدمان زود رفت.

زود رفت ولی یادش همیشه بین حرف‌های‌مان می‌چرخد.

ایرج داد، بازیگر و از اعضای هیئت‌مدیره خانه تئاتر و کانون نمایشنامه‌نویسان هم در سخنانی گفت: در سال ۱۳۵۶ با نام شخصی به نام پورمقدم به خاطر برنده شدن در جشنواره توس با نمایشنامه «اه اسفندیار مغموم» آشنا شدم. ولی بعدها کمتر اسمی از او می‌شنیدم فقط می‌دانستم در جایی به نام کافه شوکا کسانی هستند که دور هم جمع شده و یادآور خاطرات گذشته هستند؛ همه

اهل قلم و عاشقان ادبیات، هنر و تئاتر.

او افزود: آقای پورمقدم در حقیقت زندگی تئاتری خود را در کافه شوکا ادامه می‌دهد. نقشی که انتخاب کرده نقش قهوه‌چی است و قهوه‌چی را بازی می‌کند اما در فضایی که اطرافیانش نویسندگان، اهل قلم و اهل تئاتر و نقاشی و موسیقی هستند.

راد با بیان این‌که هرگز به کافه شوکا نرفته است، گفت: در این چند روز بسیار از او شنیده‌ایم و ماجرا را این‌طور می‌دیدم چرا در این مملکت کسانی را که در حاشیه خدمتگزار هستند ولی کارهای اساسی انجام می‌دهند، نمی‌شناسیم. چرا همیشه در حاشیه زندگی می‌کنند در صورتی که در قلب مسائل مختلف جامعه هنری قرار دارند. نمی‌دانم چرا این‌گونه و به این صورت بود. متأسفم بعد از رفتن او داریم با منش او و کارهایش آشنا می‌شویم.

این بازیگر خاطر‌نشان کرد: امیدوارم فضایی فراهم شود و کسانی که به عنوان جرقه مطرح می‌شوند، به نور تبدیل شده و خاموش نشوند. کسی که در سال ۱۳۵۶ جازه اول نمایشنامه‌نویسی را می‌برد باید تاووم کارش رسیدن به قله‌های واقعی باشد که وجود دارد. در همین دوران هنرمندانی را می‌بینیم که آثارشان فاگلگیرکننده و امیدوارکننده است اما متأسفانه باید امکاناتی فراهم شود برای تبدیل جرقه‌ها به نور.

محیط طباطبایی نیز در این مراسم در سخنانی به دوستی چنددهه‌ای خود و آخرین حضورش در کافه شوکا که با آخرین روز حیات پورمقدم همراه بود اشاره کرد و گفت: شوکا، جایی که جمع می‌شدیم، ویژگی‌های مختلف داشت و مهم‌تر از محفل و پاتوغ هنرمندان و شاعران و عکاسان و نویسندگان بود. جایی که در دهه‌های مختلف که انسان‌ها بسیار دورتر از هم شدند، رفاقت‌های نزدیک ایجاد می‌کرد و یارعلی منادی رفاقت و دوستی بود و شوکا محفلی برای نزدیکی آدم‌ها. او با بیان این‌که او بیشتر با موزه سروکار دارد، گفت: شوکا برای من موزه بود، موزه مگر چه می‌کند، بخشی از خاطرات و فرسنگ را حفظ می‌کند و توسط موزه‌دارش از هنرمندان ارزنده شاهد تولیداتی بودیم که برای نسل من بسیار دل چسب و تأثیر گذار بود. البته هیچوقت هم‌چکر نمی‌کردم روزی در موسسه‌ای خدمتگزار چنین هنرمندانی شوم که در یک برمه زمانی از هنرشان نهایت بهره و استفاده را ببرم.

حسن دانشگر نیز پس از صحبت‌های عظیمی ضمن قدردانی از گروه اجرایی نمایش «قوی‌تر»، موسسه هنرمندان پیشکسوت و مجموعه تئاتر شهر گفت: هتأسفانه سال گذشته بنده دچار بیماری قلبی شدم و ظرف مدت پنج روز بین مرگ و زندگی قرار گرفتم؛ اما لطفاً به دعای مردم عزیزم و حمایت دلوزانه عزیزانم در موسسه هنرمندان پیشکسوت سبب شد که تا امروز سرپا باشم و امشب افتخار حضور در تالار سایه را پیدا کنم. به همین جهت از جناب عظیمی و سایر همکارانشان سپاسگزارم که مانند یک خانواده کنار هنرمندان دوستم ایستادند.

این بازیگر و کلر گردان پیشکام تئاتر عروسکی باارژشمند تصدیق کردن نمایش

«قوی‌تر» در تالار سایه تئاتر شهر گفت: من به آقای جواد تولمی و گروه اجرایی‌اش

به جهت اجرای این نمایش تبریک می‌گویم که ثبت کرد نمایش عروسکی فقط

در دو گیرنده‌وجوه سرگرمی آن نیست.

او در ادامه صحبت‌های خود ضمن افتقاد از کیفیت اجرای آثار نمایشی عروسکی

در برخی برنامه‌های تلویزیونی، توضیح داد: متأسفانه اکنون شرایط به گونه‌ای

است که برخی از آثار نمایشی تولیدشده تئاتر عروسکی تلویزیون اصلاً از کیفیت

برخوردار نیست، اما به اعتقاد من که امشب در تالار سایه تئاتر شهر شاهد

اجرای آن بودم، متنی ارزشمند بر اساس ارتباطات خوادگی است که نمایشگر

عقدمه، خفارت‌ها و دیگر نشانه‌های یک انسان امروزی است که در پیله خودش

فرو رفته و باعث می‌شود آن انسان راه نافرستی را برای ادامه انتخاب کند. به نظر

من نمایش «قوی‌تر» یک اثر تراژیک به معنای واقعی است که گروه اجرایی به

زیبایی هرچه تمامتر آن را در قالب یک تئاتر عروسکی روی صحنه برده است.

دانشگر افزود: لازم است به مجموعه تئاتر شهر هم تبریک بگویم که از اجرای

و میزبان تأثیراتی را سرگرمی نریست. تئاتر هنر انسان‌ها هم بی‌نیتم. ما باید بدانیم که تئاتر

پدیده‌ای صرفاً برای سرگرمی نیست. انسان‌ها سزای هنر انسان‌هاست و مسائل بشری را

بازگو می‌کند. تئاتر عیب ما را به ما نشان می‌دهد و می‌فهمند چگونه باید زندگی

کنیم. من روزی می‌کنم روزی را ببینم که آموزش تئاتر از مدارس شروع شود و

کندهایی که این آموزش‌ها را فرامی‌گیرند توجه به تئاتر و انتخاب تئاتر مناسب

برای تماشا را به خانواده‌های خود برده و هر اثری را به اسم تئاتر نپذیرند.